ISSN: 2008-8000

A memory of the Master

Mohammad Yamani Douzi Sorkhabi ❋

Corresponding Author:
Professor of Department of Higher Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
E-mail: M-yamani@sbu.ac.ir

Blessed be the day of the lovers' union,
Blessed be those days, blessed be! [1]

Hafez

On January 28, 2025, the fields of culture, literature, and comparative studies lost one of their most influential thinkers at the age of 102. Lê Thành Khôi was a teacher-researcher in educational sciences, an economist, historian, cultural and literary educator, photographer, and poet. He was also one of the most renowned theorists in the field of comparative education.

His works reflect the depth and richness of his thought and practice, in which art, culture, aesthetics, and a profound respect for humanity and nature are ever-present. A professor at the University of René Descartes–Sorbonne, Lê Thành Khôi was among the few intellectuals with deep knowledge of the cultures of people from all corners of the world—from North and South America to the Middle East, Africa, and Southeast Asia, especially China and Japan, and, of course, his homeland, Vietnam.

In 1955, he published the first comprehensive synthesis of Vietnam's thousand-year history, a work that has since been republished many times. As Ibn Khaldun wrote in his introduction: "Research is the unmasking of the face of truth." Lê Thành Khôi dedicated his life to uncovering the layers of truth embedded in the cultures and civilizations of diverse peoples around the word.

[1] Squires, J. (2014). Hafez: Translations and interpretations of the ghazals. Miami University Press.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

یاد استاد

محمد یمنی دوزی سرخابی

استاد گروه آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: M-yamani@sbu.ac.ir

روز وصل دوستداران یاد باد

یاد باد آن روزگاران، یاد باد

حافظ

بیست‌وهشت ژانویه ۲۰۲۵ حوزه‌ی فرهنگ و ادب و مطالعات تطبیقی یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان خود را در ۱۰۲ سالگی از دست داد. لوتان کوی[1] معلم-پژوهشگر علوم تربیتی، اقتصاددان، مورخ، معلم فرهنگ و ادب، عکاس، شاعر و درعین‌حال یکی از نظریه‌پردازان به نام در حوزه‌ی مطالعات آموزش‌وپرورش تطبیقی بود. آثار او غنای اندیشه و عمل او را نشان می‌دهد که در جای‌جای آن‌ها هنر، فرهنگ و نگاه زیباشناسی و احترام به انسانیت و طبیعت مشاهده می‌شود. لوتان کوی استاد دانشگاه رنه دکارت- سوربن، از معدود فرهیختگانی بود که شناختی عمیق از فرهنگ‌های مردمان در چهارگوشه جهان از آمریکای شمالی و جنوبی گرفته تا خاورمیانه، آفریقا و آسیای جنوب شرقی به‌ویژه از چین و ژاپن و البته از زادگاهش ویتنام داشت. وی در سال ۱۹۵۵ اولین سنتز تاریخ هزارساله ویتنام را منتشر کرد، اثری که بارها بازنشر شده است. به مصداق سخن ابن خلدون در *مقدمه* که:"پژوهش، نقاب از چهره‌ی حقیقت گشودن است" او به دنبال رمزگشایی از لایه‌های تو در توی حقایق نهفته در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مردمان در مناطق مختلف این کره‌ی خاکی بود. لوتان کوی همواره "مسافر" بود؛ سفر برای او، همانند تمام مقایسه گران بنام تاریخ، تلاشی برای فهم تمدن و فرهنگ‌های مختلف بود: از تمدن اینکاها و آزتک ها در پرو و مکزیک تا فرهنگ شفاهی کشورهای آفریقا، از مراکش گرفته تا بورکینافاسو و ماداگاسکار، در اروپا از دیار هراکلیت تا کانت و هگل و

[1].Lê Thành Khôi

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

مارکس، در آسیا از قبایل استرالیای مرکزی تا چین و هند در بستر فرهنگ کنفسیوسی و کره و ژاپن (با تضادها و تعارض‌هایی که در تاریخ آن‌ها وجود داشته است و هنوز پابرجاست) و در این میان البته از ایران که علاقه‌مندی خود را به عطار و سعدی و حافظ و تاریخ چندین هزارساله‌ی فرهنگ این سرزمین کهن آیین که به بیان استاد محمدعلی اسلامی ندوشن *" پیوسته نو شونده و همواره پایبند به اصل می‌باشد "*[1] ابراز می‌کرد. برای او سفر همراه با *مشاهده که یکی از فنون جداناپذیر روش‌شناسی مقایسه‌ای می‌باشد*، جزء پیوسته‌ی روش اش بود. پداگوژی او و روش او همواره برای نگارنده یادآور این سخن مولوی بود که:

"... مثلاً یکی به بحر آمد غیر آب شور و نهنگان و ماهیان نمی‌بیند، می‌گوید این گوهر کجاست، مگر خود گوهر نیست؛ گوهر به‌مجرد دیدن بحر کی حاصل شود، اکنون اگر صد هزار بار آب دریا را طاس طاس بپیماید گوهر را نیابد، غواصی می‌باید تا به گوهر راه برد و آنگاه هر غواصی نی، غواصی نیکبختی چالاکی؛ این علم‌ها و هنرها همچون پیمودن آب دریاست بطاس، طریق یافتن گوهر نوعی دیگر است. بسیار کس باشد که به جمله‌ی هنرها آراسته باشد و صاحب مال و صاحب جمال، الا در او آن معنی نباشد و بسیار کسی که ظاهر او خراب باشد، او را حسن صورت و فصاحت و بلاغت نباشد، الا آن معنی که باقی است در او باشد و آن، آن است که آدمی بدان مشرف و مکرم است و به‌واسطه‌ی آن رجحان دارد بر سایر مخلوقات ...اگر آدمی به آن معنی راه برد خود فضیلت خویشتن را حاصل کرد و الا او را از آن فضیلت هیچ بهره نباشد[2] *".*

لوتان کوی در سوم ماه می سال ۱۹۲۳ در هانوی به دنیا آمد پدر او در یک مدرسه فرانسوی‌زبان آموزگار و مادرش اولین معلم زن در ویتنام بود. او از زمان دانش‌آموزی به ادبیات علاقه داشت به‌طوری‌که اولین اشعارش را در سال ۱۹۴۲ منتشر کرد. پدر و مادرش او را در سال ۱۹٤۷ برای تحصیل به فرانسه اعزام کردند. رسیدن او به این کشور با کشتی دو ماه طول کشید. او در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی سوربن ثبت‌نام کرد و در سال ۱۹٤۹ دکتری خود را در رشته اقتصاد با رساله‌ای در مورد ژاپن به پایان رساند. دکترای ادبیات چینی و ویتنامی را در مدرسه زبان‌های شرقی پاریس و سپس دکترای حقوق بین‌المللی را از آکادمی لاهه در سال ۱۹۵۰ دریافت کرد و با مجلات ادبی و نیز دایره المعارف لاپلیاد[3] زیر نظر ریموند کنو[4]، نویسنده و شاعر فرانسوی،

[1] محمدعلی اسلامی ندوشن ۱۳۵۴، برخورد کهنه و نو در ادبیات،" به یاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر" زیر نظر محمدحسن گنجی و حسین بهزادی

[2] مولوی (۱۳۶۲)، **فیه مافیه**، با تصحیحات و حواشی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ص:۱۸۶. به نقل از مقدمه

[3] La Pleiade

[4] Raymond Queneau

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

همکاری نمود. او فعالیت دانشگاهی خود را با استادیاری در دانشکده حقوق و علوم و تدریس در دانشگاه‌های کان[۱] و نیز نانتر[۲] در پاریس شروع نمود و در سال ۱۹۶۰ به‌عنوان محقق و دبیر علمی مجله معتبر جان سوم[۳] کار خود را در مؤسسه مطالعات توسعه اقتصادی و اجتماعی پاریس وابسته به سوربن ادامه داد. در همین موسسه بود که به مرتبه استادی رسید و پس‌ازآن مدیر تحقیقات و استاد در مدرسه عالی مطالعات کاربردی پاریس[٤] گردید. در سال ۱۹۵۵ اولین کتاب خود را با عنوان *ویتنام، تاریخ و تمدن* در انتشارات مینویی در پاریس منتشر نمود و در مجموعه معروف کتاب‌های *چه میدانم؟*[٥] سه اثر دیگر با عناوین *اقتصاد جنوب شرقی آسیا* (۱۹۵۸) و *تاریخ آسیای جنوب شرقی* (۱۹۵۹) و *مارکس، انگلس و تعلیم و تربیت* (۱۹۹۲) در انتشارات دانشگاهی فرانسه[٦] منتشر کرد.

او در سال ۱۹۶۳ به‌عنوان مشاور یونسکو، دفتر بین‌المللی کار در ژنو، آژانس همکاری‌های فرهنگی و فنی، دانشگاه سازمان ملل (در توکیو) و برنامه توسعه سازمان ملل، فعالیت بین‌المللی خود را آغاز کرد. این مأموریت‌ها و تحقیقات، او را به پژوهش در حوزه‌ی علوم تربیتی با رویکرد بین‌رشته‌ای سوق داد که در آن برای **تاریخ** به‌عنوان بستری برای فهم "منطق" پدیده زایی سیستم‌های آموزشی جایگاه ویژه‌ای قائل است بدون این‌که در دام تاریخگری قرار گیرد. او از رساله دکتری دیگر خود در این حوزه با عنوان *صنعت آموزش*[۷] در سال ۱۹۶۷ در سوربن دفاع نمود که انتشارات مینویی[۸] در پاریس آن را چاپ کرد.

از سال ۱۹۷۱ به‌عنوان استاد دانشگاه رنه دکارت (سوربن) در دپارتمان علوم تربیتی[۹] فعالیت علمی خود را ادامه داد که تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۲ در آن دانشگاه صاحب کرسی مطالعات تطبیقی در آموزش‌وپرورش[۱۰] بود. او، پس از بازنشستگی همچنان به مطالعات و پژوهش‌های خود را در چهارگوشه جهان ادامه داد. پس از آن زمان «وقتی او را ملاقات کردم پرسیدم الان

[1] Université populaire de Caen
[2] Université Paris Nanterre

[3] Tiers Monde
[4] Ecole Pratique des Hautes Etudes
[5]. Que sais-je?
[6]. P.U.F
[7].L,Industrie de l,enseignemen; Paris:Ed.Minuit.1967.
[8].Ed.de Minuits

[۹] این دپارتمان در نیمه دوم قرن میلادی گذشته با حضور شخصیت‌های دیگری همچون جوفر دومزدیر، ژرژ اسنیدرز؛ ایزامبر جاماتی، موریس دبس، لویی پورشه؛ کانون وسیع علمی –اخلاقی تأثیرگذار در حوزه‌ی علوم پداگوژیک بود که علم و فرهنگ و هنر و ذوق به حس عمیق انسان‌دوستی همواره گرمابخش آن کانون بود.

[10]. Education

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

آموزش‌وپرورش تطبیقی را که کسی تدریس می‌کند؟ پاسخ داد "هیچ‌کس؛ درس تعطیل شد تا زمانی که فردی بتواند کرسی آن را به دست آورد"!

لوتان کوی به‌عنوان مشاور یونسکو در شهریور ۱۳۴۷ (۲۳ سپتامبر ۱۹۶۸) به دعوت وزیر وقت علوم و آموزش عالی دکتر مجید رهنما *"به‌منظور تأسیس یک مرکز برنامه‌ریزی آموزشی و علمی و ترتیب اصول سازمانی آن به ایران آمد ولی پس از ورود آقای لوتان کوی (...) به تهران جناب آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی وظیفه دیگری که دارای اهمیت بیشتری بود به مشارالیه محول کردند. این وظیفه عبارت بود از مطالعه وضعیت آموزش عالی در ایران از نقطه‌نظر مصرف هزینه‌ها و بازده آن جهت دستیابی به بهترین نحوه به کار بردن منابع مالی موجود."*[۱]. مرکز فوق پس از تأسیس با مدیریت آقای دکتر اکبر اعتماد فعالیت خود را آغاز کرد. گزارش این بررسی با عنوان *سیاست علمی و مسائل آموزش عالی* از سوی وزارت علوم منتشر شد[۲]

لوتان کوی پس از بازنشستگی ریاست انجمن افق‌های جهان[۳] را عهده‌دار شد ولی همچنان سفرهای خود در کاوشگری در تاریخ تمدن‌ها و فرهنگ‌های جوامع مختلف ادامه داد. از لوتان کوی به‌غیراز مقالات ۲۲ کتاب به یادگار مانده است. او در سال ۱۹۹۳ توسط مؤسسه بیوگرافی آمریکا به‌عنوان مرد سال بین‌المللی در آموزش معرفی شد و نیز جوایز علمی مختلفی را کسب نموده است که از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- شوالیه هنر و ادبیات
- جایزه فرانکفونی (۲۰۰۳)
- جایزه فان چو چین[۴] (۲۰۱۲)

۱. لوتان کوی: سیاست علمی و مسائل آموزش عالی (ترجمه محمود فرمان)؛ سپتامبر و نوامبر ۱۹۶۸؛ شهریورماه ۱۳۴۸؛ وزارت علوم و آموزش عالی. . مقدمه

۲. در سال ۱۳۷۱ زمانی که جلساتی در وزارت علوم راجع به شکل گیری موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و نیز برنامه توسعه بخش آموزش عالی تشکیل می شد معاون و قائم مقام وقت وزارت، گزارشی مکتوب را به جلسه آورد و اظهار کرد: " حدود سی سال قبل یکی از کارشناسان یونسکو به ایران آمده و آموزش عالی کشور را بررسی کرده است. وقتی آن را مطالعه می کنیم انگار در خصوص وضعیت حال دانشگاه های امروز ایران نوشته شده است!".

3. HORIZONS DU MONDE
4. Phan Châu Trinh

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

لوتان کوی از جمله اندیشمندان است که در پی "نام" نبود و به مصداق سخن راینر ماریا ریکله "خلوت می‌گزید ولی نه ظاهری بلکه خلوت ذهن و روان. آن که در پی نام است و به قضاوت دیگران درباره کار خود محلی می‌گذارد، به این خلوت دست نخواهد یافت[۱]".

از این نویسنده کتاب‌های *جوانی استعمار شده*، *جوانی گم‌گشته*؛ *آموزش‌وپرورش تطبیقی* ۱۹۸۱، *آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع* ۱۹۹۱ به فارسی ترجمه شده است[۲]. از دیگر آثار او می‌توان عناوین زیر را نام برد: *مرغ مینا در مزرعه برنج - آهنگ‌ها و اشعار کلاسیک ویتنام* (۱۹۹۵)؛ *صنعت آموزش* ۱۹۶۷؛ *مارکس، انگلس و آموزش‌وپرورش* ۱۹۹۱؛ *فرهنگ، خلاقیت و توسعه* ۱۹۹۲؛ *آموزش‌وپرورش و تمدن‌ها: جوامع دیروز* ۱۹۹۵؛ *آموزش‌وپرورش و تمدن‌ها: خاستگاه جهان معاصر* ۲۰۰۱؛ *تمنای زیبایی* (۲۰۰۰)؛ *سفر به فرهنگ‌های ویتنام* (۲۰۰۱)؛ *چند گام در جنوب ابرها* (۲۰۰۵) که با آثار عکاسی‌های او همراه است ...

در سال ۲۰۱۵، لو تان کوی و همسرش تام تی هونگ آن، بیش از ۳۰۰ اثر هنری فاخر و بسیار باارزش خود را در مراسمی به موزه قوم‌نگاری ویتنام در هانوی اهدا کردند.

***

سخن ما از استادی است که عملش با فکرش همراهی می‌کرد و به گفته‌ی پیر لوی گوتیه استاد و کارشناس کمیسیون اروپا و بازرس وزارت آموزش‌وپرورش فرانسه، لوتان کوی "انسانی صادق، ناظر و کنشگر تعلیم و تربیت زمان خود در مقیاس این کره‌ی خاکی بود که جایگاه کاملاً استثنایی در میدان مطالعات علوم تربیتی داشت[۳]". او انسانی ادیب و اندیشمند، فرهنگ دوست و فرهنگ‌پرور و درعین‌حال به‌غایت متواضع و فروتن بود، ویژگی‌ای که در ده ی پنجاه خورشیدی در استاد گران‌مایه این مرز و بوم دکتر محسن هشترودی مشاهده کرده بودم؛ لوتان کوی به‌سان محسن هشترودی تمایزی بین دانشجویان خود از منظر

---

۲. دکتر پرویز ناتل خانلری:"از مترجم به دوستی که شما نمی شناسید."در راینر ماریا ریلکه: چند نامه به شاعری جوان و یک داستان و چند شعر (ترجمه دکتر ناتل خانلری)۱۳۳۴ چاپ ششم ۱۳۹۱، انتشارات معین

[۲]لوتان کوی: آموزش‌وپرورش تطبیقی ترجمه محمد یمنی؛ سمت ۱۴۰۲ چاپ دوازدهم

آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع؛ ترجمه محمد یمنی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول؛ سمت چاپ دوم ۱۳۸۹

جوانان استثمارشده، ترجمه ا. ترجمان، انتشارات پرشکوه،۱۳۸۰. (عنوان دقیق کتاب: جوانی استثمارشده، جوانی گم‌گشته؟)

[3] Pierre-Louis Gauthier, « Lê Thành Khôi, *Éducation et civilisations, tome 2 : Genèses du monde contemporain* », *Revue internationale d'éducation de Sèvres*, 29 | 2002, 26-28.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

ملیت، جنسیت، عقیده و مسلک ... نمی‌گذاشت بلکه تلاش‌ها و فعالیت‌های آن‌ها را ارج می‌گذاشت؛ او یک پداگوگ – هدایت‌گر و انگیزه‌بخش بود: در سال ۱۹۸۱ آن زمان که دانشجوی دوره متریس در سوربن بودم و درس برنامه‌ریزی و توسعه را با او داشتم رسم بر این بود که در پایان کلاس‌ها دانشجویان را صدا می‌زد و در آنجا ارزیابی خود را از کارهای دانشجویان بیان می‌کرد. همه‌ی دانشجویان حدود ۱۵ نفر در مقابل دفتر کوچکش در طبقه چهارم ساختمان هنری پی رون[۱] در خیابان سرپانت ایستاده بودند که از دفترش بیرون آمد و یکی از آن‌ها را نام برد و گفت این دانشجو بااینکه زبان اصلی‌اش فرانسه نیست ولی کار شایسته‌تری انجام داده است بالاترین نمره‌ی کلاس را دارد. پس از ۲۵ سال در ملاقاتی که با آن دانشجو داشت از قفسه‌ی کتابخانه آپارتمان اش جزوه‌ای را بیرون کشید و آن را به او تحویل داد و گفت الان وقت آن است که این را داشته باشی!

او فرزانه‌ای بود که کم سخن می‌گفت ولی گزیده می‌گفت[۲]؛ خودنمایی نمی‌کرد؛ منش او این سخن بودا را که استاد عباس کیارستمی نقل می‌کند، به ذهن می‌آورد که "انسان فرزانه هیچ‌گاه نمی‌درخشد" و نیز کلام استاد استادان[۳] مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر که در دفترچه یادداشت شاگرد خود استاد سید محمد دبیر سیاقی در سال ۱۳۲۲ این‌چنین نوشت: "لطیفه انسانیت را که دل است در کار آورید"[۴] و چه کلام زیبایی: لطیفه‌ی انسانیت!

او در سایه گام برمی‌داشت که نشانی از **حرکت** و جنبش مستمر او بود؛ می‌توانم این کلام استاد هنر هفتم، عباس کیارستمی را به کار ببرم[۵] که "برای **دیدن** او باید چشمانی باز می‌بود"؛ به‌دقت صدای دانشجو را می‌شنید، سخن دانشجو را قطع نمی‌کرد. اندیشه، سخن و قلم خود را متاع نمی‌دانست. برای پول کار نمی‌کرد بلکه به دنبال **فهم** بود و ابتدا فهم خویشتن که بدون این نمی‌توان دیگری را فهمید؛ دانشجو را "مشتری " و دانشگاه را "بنگاه تجاری" نمی‌دانست؛ به پرسش‌های دانشجویان پاسخ‌هایی کوتاه ولی عمیق می‌داد و از این طریق آن‌ها را در مسیر پرتلاطم اندیشیدن همراهی می‌کرد؛ او خود نیز پرسشگر بود. بر این باور بود که طرح پرسش‌های "شایسته " ارزشمند می‌باشد. بی‌دلیل نبود که تمام کتاب‌هایش به پرسش پایان می‌یافت

[1] Henri Louis Charles Pieron (1881-1964)

۳. مصداق این بیت از نظامی: سخن بسیار داری اندکی کن یکی را صد مکن، صد را یکی کن

[۳] دکتر حسین بهزاد اندوهجردی: استاد استادان؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ شماره ۸۹؛ بهار ۱۳۵۴؛ ص:۳۰-۱.

[۴] ر.ک: سید محمد دبیر سیاقی: یادگاری از استاد: مجله فرهنگی و هنری بخارا: شماره ۸۴؛ ۱۳۹۰؛ ص:۱۸۸

[۵] رک: پال کرونین: سر کلاس با کیارستمی؛ ترجمه سهراب مهدوی؛ نشر نظر؛ چاپ هفتم*۱۳۹۸. ص:۱۲۷.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

پرسشی که زاده‌ی محتوای اثر اندیشه و یافته‌هایش بود. آن زمان (۱۹۸۲) که شعر استاد شهریار به انیشتین را به فرانسه ترجمه کرده بودم منش ایشان این قطعه از این سروده‌ی آن شیرین‌سخن را به یادم می‌آورد که:

نژاد و کیش و ملّیت یکی کن ای بزرگ استاد

زمین، یک پایتخت امپراطوری وجدان کن

تفوق در جهان قائل مشو جز علم و تقوا را

در سال ۱۹۸۲ آن هنگام که دانشجوی فوق‌لیسانس در دانشگاه رنه دکارت بودم خبر داد که نوشته‌ام در خصوص کنفرانس یونسکو راجع **به** *علم و فلسفه و اسلام* در مجله پرآوازه‌ی *جهان سوم* در سوربن پذیرش‌شده است گفت: اولین نوشته‌ات است؟ گفتم بلی. گفت خوشحالی؟ باز پاسخ دادم البته؛ و ادامه داد "اگر از طریق نوشتن، مقاله یا کتاب به دنبال پول درآوردن باشی از همین حالا آن را کنار بگذار و سراغ شغل دیگر برو؛ با متاع قرار دادن آن به قلم و علم جفا می‌کنی! "بعدها وقتی دیدم[۱] و می‌بینم که در دانشگاه‌های ما برخی از اعضای "هیئت‌علمی" که به‌صورت "تکنسین‌های تدریس"درآمده اند چگونه بساطی برای چنین مسیری می‌گسترانند، این سخن او مکرراً به یادم می‌آید. او اخلاق علمی را از اخلاق انسانی جدا نمی‌کرد و اولی را در بستر دومی در پیوندی ضروری، **فهم و عمل** می‌کرد. در مسیر کاوشگری علمی خود نیز همواره بر **فهم** تأکید می‌کرد و توضیح را بعداز آن قرار می‌داد که این رویکرد سخن مارک بلوش[۲] مورخ و استاد دانشگاه استراسبورگ را به ذهنم می‌آورد که می‌گفت:"*یک کلمه است که به پژوهش من روشنایی می‌بخشد: و آن فهمیدن است*" و قرن‌ها قبل، از بزرجمهر است که "به حقیقت باید دانست که فایده در فهم است نه در حفظ... و بر مردمان است که در کسب علم کوشند و فهم را در آن معتبر دارند[۳]". لوتان کوی فهمیدن

[۱] در اواخر دهه‌ی هشتاد همکار یک گروه طرح پژوهشی با عنوان مقایسه نظام آموزشی دانشگاه‌ها با نظام واحدی با هدایت مرحوم دکتر غلامحسین شکوهی بودم. در طول این پروژه به موردی در یکی از دانشگاه‌های دولتی مستقر تهران برخوردیم که تعجب‌آور بود: یک عضو هیئت‌علمی با مرتبه "استادی" در یک نیمسال تحصیلی بالای هفتاد پایان‌نامه در دانشگاه محل استخدام خود و نیز دیگر دانشگاه‌ها که بیشتر از نوع آزاد و غیردولتی بودند "راهنمایی" می‌کرد!؟

[2] ..Marc Bloch 1886-1944

۳.کلیله‌ودمنه؛ ترجمه ابو المعالی نصرالله منشی؛ توضیح و ویرایش سید علی رضوی بهابادی؛ انتشارات یهاباد؛ چاپ چهارم.۱۳۸۲؛ ص:۳۷

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

فرهنگ‌ها و جوامع را در کاوشگری در هزارتوی تاریخ آن‌ها ممکن می‌دانست، تاریخی که روند خطی ندارد. برای او تاریخ فرش پر تار و پودی از پدیده‌ها در گذر زمان بود که اندیشه و عملش در تلاش برای فهم گره‌های درهم‌تنیده‌ی آن‌ها حرکت می‌کرد؛ روشی که به کار می‌برد دیالکتیک بود که کمک می‌کند حرکت و تضادها در واقعیت‌های اجتماعی فهمیده شود. او در نامه‌ای در سال ۲۰۰۸ برای نگارنده چنین نوشته بود:

"در بررسی آموزش‌وپرورش همانند هر نهاد اجتماعی باید دو نکته را لحاظ کرد: نخست اینکه آن را باید در متن تاریخ بررسی کرد نه صرفاً در ابعاد زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت؛ دوم اینکه، باید آن را با امور هم‌عرض یا مشابه خود سنجید، زیرا پدیده‌های به‌ظاهر مشابه معانی متفاوتی برحسب زمینه نشان می‌دهند و رابطه‌ای معتبر در یک زمان معین، الزاماً در گذشته یا در جای دیگر از اعتبار لازم برخوردار نیست و نیز به صورتی که هست در آینده وجود نخواهد داشت. ترکیب رویکردی دوگانه، یعنی رویکرد تاریخی و مقایسه‌ای، در مقابل یک تحلیل گسترده در زمان و جامعه‌ای معین، اعتبار بیشتری به هر بیان نظری می‌دهد."

او در سال ۱۹۸٦ مقاله معروفی را منتشر کرد با عنوان " به‌سوی یک نظریه عمومی تعلیم و تربیت[۱]" که در آن تأکید می‌کرد که برای توسعه یک نظریه عمومی تعلیم و تربیت، مطالعات آموزش‌وپرورش تطبیقی ضروری است. در همین مقاله بود که مدل هفت عاملی خود را برای بررسی سیستم‌های آموزشی در جوامع مختلف ارائه کرد. این مقاله درآمدی بود برای یک پروژه هشت‌جلدی که بعداً در سه جلد مجموعاً در بیش از ۲۰۰۰ صفحه به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۱، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸ منتشر شد[۲]. جوان کارلوستدسکو مدیر دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت یونسکو در پیشگفتاری برای اولین جلد این پروژه می‌نویسد:

[1] Toward a General Theory of Education. Comparative Education Review. Volume 30, Number 1.

[۲] برای یک بررسی اجمالی از این سه کتاب ر.ک

Barna, J., & Mœglin, P. (2016). Chapitre 4. Lê Thành Khôi. Productivité éducative et progrès social. In *Industrialiser l'éducation* (pp. 115-122). Presses universitaires de Vincennes.

Anthologie commentée (1913-2012), Presses Universitaires de Vincennes (PUV), pp.113-122, 2016

Juan Carlos Tedesco in: le thanh khoi:Education et Civilisation:Societes d,HierYParis:Unesci-Nathan.1995.p:6.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

"رویکرد بین‌رشته‌ای استاد لوتان کوی اجازه می‌دهد که هم جایگاه تعلیم و تربیت در ارتباط با دیگر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی در هر مدل فرهنگی و هم انواع مختلف واکنش‌های ممکن هر دنیای فرهنگی در تماس با دیگر فرهنگ‌ها را فهمید[۱]."

پژوهش‌های او در فرهنگ و هنر و ادبیات در جوامع مختلف تلاشی بود برای بررسی این پرسش که آیا می‌توان یک «نظریه عمومی آموزش‌وپرورش و فرهنگ که بتواند در جوامع صنعتی و نیز جوامع به‌اصطلاح «درحال‌توسعه» به کار رود، ارائه کرد؟

او انگیزه پروژه خود را به‌صورت زیر مطرح می‌کند:

"... طرح این اقدام ناشی از نارضایتی‌هایی بود که من از نظریه‌های موجود احساس می‌کردم، زیرا این نظریه‌ها تنها یک جنبه از واقعیات (بازتولید بدون تولید، وابستگی بدون استقلال) را که اغلب مربوط به یک جامعه است، نشان می‌دهند، درحالی‌که دو بعد به نظر اساسی می‌آیند: تاریخ که تغییرات نامشهود را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت آشکار می‌سازد و مقایسه که جوامع و منطق خاص آن‌ها را متمایز می‌سازد؛ این امر نشان می‌دهد که پدیده‌های ظاهراً مشابه، معانی متفاوتی در موارد گوناگون می‌یابند و یک رابطه معتبر در یکجا در جای دیگر اعتبار ندارد. ترکیب این دو رویکرد مانع فراموش کردن یکی از دو جنبه‌های عمومی یا خاص می‌شود؛ به‌عکس با روش مشترک می‌توان عام را در خاص پیدا کرد. فکر این تحقیق به‌تدریج در طول تدریس و مأموریت‌هایی که در چهل کشور برای یونسکو، دفتر بین‌المللی کار، دانشگاه سازمان ملل، برنامه سازمان ملل برای توسعه، بنگاه همکاری فرهنگی و فنی و به دعوت دانشگاه‌های مختلف انجام داده‌ام به وجود آمد[۲]"

لوتان کوی بر ***بحران کنونی*** جامعه بشری، بحرانی که اقتصاد، سیاست، روابط اجتماعی، افکار و ارزش‌ها را متأثر کرده است، تأکید می‌کند و می‌نویسد که علوم انسانی و اجتماعی نیز بحران‌زده است. از نظر او *«علوم انسانی و اجتماعی دیگر نمی‌توانند مانند گذشته پاسخ‌های مطمئنی به بحران جامعه بشری ارائه کنند»*؛ او این موضوع را از منظر پدیده‌ای جهان‌شمول و منحصربه‌فرد، یعنی آموزش‌وپرورش، بررسی می‌کند که مطالعه تطبیقی در خصوص آن "به فهم بین‌المللی کمک می‌کند (زیرا که) با مطالعه فرهنگ‌های دیگر است که شناخت از فرهنگ خود عمق می‌یابد". او در نوشته‌ها و گفتارهایش همواره احتیاط را رعایت می‌کرد و

[1] Juan Carlos Tedesco in: le thanh khoi:Education et Civilisation:Societes d,HierYParis:Unesci-Nathan.1995.p:6.

[۲] آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع، ص:۲.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

"مدعی حل تمام یا حتی تعداد زیادی از پرسش‌هایی که مطرح می‌کرد نبود. این احتیاط، آموزه‌ای است که تاریخ تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در ادوار مختلف در چهارگوشه‌ی جهان به او آموخته بود: او قبل از اینکه به بیان مسئله خود بپردازد عبارتی از ادبیات تمدن آزتک را نقل می‌کند:

"آیا در اینجا حقیقتی را می‌یابیم،

این رؤیایی بیش نیست، ما تازه بیدار می‌شویم،

ما آن را تنها در اینجا،

بر روی زمین،

بیان می‌کنیم ...".

و کتاب «*آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع*» خود را با این سخن از شیخ عطار نیشابوری به پایان می‌رساند:

"تو در حق بند دل تا رسته گردی — چو دل در خلق بندی خسته گردی

همه درها به گل بر خود فرو — در او گیر و کلی دل در او بند

که تا از میغ تاریک جدایی — بتابد نور صبح آشنایی

اگر آن روشنایی بازیابی — طریق آشنایی بازیابی

بزرگانی که سر بر ماه بردند — به نور آشنایی راه بردند"[1].

[1] آموزش و پرورش: فرهنگ ها و جوامع ص:۵۴۰. ارجاع به: عطار نیشابوری، الهی‌نامه، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، چ ۳، ۱۳۸۷، ص ۳۶۱ (۵۵۰۷-۵۵۱۱).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

گفتیم که او مسافر بود. در سفرهایش که تا ۹۵ سالگی ادامه داشت (سفرهایی که همسر فرهیخته و یار دیرینه‌اش او را همراهی می‌کرد) فرهنگ، هنر، طبیعت، زیباشناسی و ادبیات در جوامع مختلف، دل‌بستگی‌های او را شامل می‌شد.

ولی ذوق و شوق او برای شناخت و فهم دیگری از کجا ناشی می‌شد؟ پاسخ او این است: تلاش برای شناخت خود: ***"شناخت دیگری به شناخت خود کمک می‌کند و شناخت خود مسیر آگاهی و نیز رهایی را هموار می‌سازد"*** او اظهار می‌کرد که در سفرهایش شناخت دیگری همواره با شناخت خود همراه بوده است:

"که از سفرها ماه، کیخسرو شود بی‌سفرها ماه، کی خسرو شود؟

از سفر بیدق، شود فرزین راد وز سفر یابید یوسف صد مراد"[1]

لوتان کوی سیاح، نگاه نقادانه‌ای به پیش‌داوری‌های ایدئولوژیک و نژادگری های موجود، همچنین به خودباوری‌های کاذب و خودبزرگ‌بینی‌های مخرب داشت. او تلاش می‌کرد با نقد مفاهیمی نظیر «توسعه»، «توسعه‌نیافتگی»، «درحال‌توسعه»، «عقب‌مانده نگاه داشته شده»، «بومی‌سازی به‌مثابه تقلید» و...آن‌ها را از کلیشه‌های رایج و موجود در نوشته‌ها و گفته‌های «اقتصاد گرایانه» خارج سازد. در آثارش تلاش برای شناخت ارزش‌های جهان‌شمول انسانی، ارزش‌های نهفته در تجارب جوامع بشری و در تاریخ و فرهنگ‌هایشان هویدا است. او در زندگی خویش نیز بدون فراموشی ریشه خود تلاش می‌کرد تا خود را به ریشه‌های دیگران نزدیک سازد. این امر بدون ویژگی شخصیتی او، یعنی گشودگی به دیگری، ممکن نمی‌گشت؛ منشی که سبب شده است آثار او، بررسی افکار و تجارب متنوع و متفاوت را در خود جای دهد، بدون اینکه پیش‌داوری‌های شخصی بر آن‌ها سایه افکنده باشد. این درسی است که ابن خلدون، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی و روش تطبیقی، در نظر و عمل و در تأملات خود هفت قرن پیش ارائه داده بود و لوتان کوی در کلاس‌های خود بر آن تأکید می‌کرد. او ارزش پژوهش‌ها را نه در پاسخ‌هایی که برای پرسش‌ها ارائه می‌کند، بلکه با پرسش‌های جدید و "شایسته‌ای" که می‌تواند در برداشته باشد، ارزیابی می‌کند و بی‌دلیل نیست که آثار او همواره

[1] مثنوی معنوی، دفتر سوم، ۵۳۴-۵۳۵.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

با پرسش شروع می‌شود و با پرسش «خاتمه» می‌یابد. به‌عنوان‌مثال، همان‌طور که اشاره شد، کتاب *آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع* او با پرسشی از حکمت تمدن آزتک درباره «ناآگاهی» بشر آغاز می‌شود و با ارجاع به عرفان شیخ عطار خاتمه می‌یابد.

دستاوردهای این سیاح اندیشه‌ورز هشدارهای تکان‌دهنده برای کسانی دارد که خود را در حصاری از خودباوری‌های کاذب و"نارسیسیم علمی" گرفتار کرده و ژرفای حقیقت را با حجابی از گسسته نگری و «تخصص گرایی» و جزءنگری راجع به هستی و مسائل آن پوشانیده‌اند و در تارهای خود-تنیده از "ایسم" های مختلف گیر کرده‌اند و تلاشی نیز برای رهایی از این حصارها نمی‌کنند: مشکلی که آموزش عالی و دانشگاه‌های ما با آن دست‌به‌گریبان هستند و رشته گرایی افراطی موجود، "هیئت‌علمی" را از معنا و کنشگری لازم برای شکل‌گیری *اجتماعات علمی* دور کرده است و بیماری مزمن فرمالیسم موجود در آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور، زایش و توسعه‌ی تخیلات کنشگران دانشگاهی را با مانع جدی مواجه ساخته است[۱] و به خودباوری‌های کاذب ناشی از تخصص گرایی افراطی دامن زده است. اهمیت تخیلات موضوعی که اندیشمندان به نام فلسفه و علم نیز بر آن تأکید داشته‌اند به‌طوری‌که هانری برگسون[۲] اکتشاف و نوآوری علمی را بدون تخیل ممکن نمی‌دانست و گاستون باشلار[۳] فیلسوف علم و ریاضیدان و شاعر که بر بزرگانی همچون میشل فوکو[۴]، لویی آلتوسر[۵]، ژاک دریدا[۶] و پیر بوردیو[۷] تأثیر گذاشته است، آن را مهم می‌دانست؛ او می‌نویسد: "خیال‌پردازی نیروی شکل دادن به تصاویر از واقعیت‌ها نیست بلکه نیروی شکل دادن به تصاویری است که از واقعیت گذر می‌کنند، تصاویری که واقعیت را می‌سازند "[۸] و عباس کیارستمی، این اندیشه‌ورز هنر هفتم و دغدغه مند **مسئله** تعلیم و تربیت، در کلاس‌های درسش می‌گفت:"اگر خداوند یک موهبت به ما داده باشد قوه تخیل است...قوه تخیل هرکسی میوه‌های خودش را به بار می‌آورد... [۹]" میوه‌های خودش!

---

[۱] برای این مفاهیم ر.ک:
محمد یمنی: پداگوژی دانشگاهی: دیالکتیک نظر و عمل پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ۱۴۰۰
فرازوفرود کیفیت آموزش عالی ایران؛ پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ۱۴۰۳

[2] Henri Bergson
[3] Gaston Bachelard
[4] Michel Foucault
[5] Louis Pierre Althusser
[6] Jacques Derrida
[7] Pierre Bourdieu

[۸]. فیلسوف خیال؛ روزنامه ایران؛ شماره ۰۱۲۳/۲۱ فروردین ۱۸۱۴
[۹] پال کرونین؛ همان منبع؛ ص:۴۱ و ۴۳

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

می‌دانیم که این قوه‌ی تخیل به ریشه‌هایی بستگی دارد که از آن‌ها شیره‌ی جان می‌گیرد زیرا هر درختی بار مرغوب نمی‌دهد مگر باغبانی عاشق داشته باشد! همچنان که ابوعلی دقاق نیشابوری این عارف قرن چهارم هجری می‌گوید: "*درخت(ی) خودروست که کسی او را نپرورده باشد، برگ بیاورد و لکن بار نیارد و اگر بار بیارد بی‌مزه آرد. مرد نیز همچنین باشد، چون او را استاد نبوده باشد از او هیچ خیر نیاید*"[۱].

ماهه رازی[۲] استاد علوم تربیتی دانشگاه تولوز[۳] در مقاله‌ی با عنوان «*آموزش‌وپرورش و فرهنگ در آثار لوتان کوی*» می‌نویسد: «*لوتان کوی رخدادها را در زمان وقوعشان نشان می‌دهد و جهان معاصر را در تضادهایش تحلیل می‌کند، بدون اینکه عوامل نوظهور و تعامل‌هایی که آن‌ها را شکل داده‌اند و نیز غایت‌های پنهان و بیان‌شده آن را کنار گذارد؛ او قضاوت نمی‌کند، بلکه آن‌ها را پس از ارائه، توضیح می‌دهد؛ او محکوم نمی‌کند، بلکه خواننده را در جهت درک کاستی‌ها و اشکالات آنچه تحلیل می‌کند همراه می‌سازد... او کنش‌ها، وقایع، موقعیت‌ها و تحول‌ها، تخریب‌ها و بازسازی‌ها، به حاشیه رانده‌شده‌ها و نیز پروژه‌ها، اعمال، آیین‌ها، باورها، رسوم، برنامه‌ها و نظریه‌ها، افکار و اختلاف‌نظرها، اقتباس‌ها و ابداع‌ها را تحلیل می‌کند. او چیزی را به تصادف و اتفاق ارجاع نمی‌دهد و پرسش‌های خود را روشن بیان می‌کند تا خواننده «اندیشه» خود را داشته باشد و نتیجه‌گیری و درس‌های خود را شخصاً انجام دهد*[۴]. *او تحمیل نمی‌کند بلکه نظر خود را ارائه می‌کند و می‌خواهد نظرهایش پس از بررسی و نقد، پذیرفته یا رد شوند.*"

در اولین جلسه سمینار دوره فوق‌لیسانس، در سال ۱۹۸۰، درس خود را با این سخن آغاز می‌کرد: «آنچه می‌گویم نظرهای شخصی بر پایه پژوهش، مطالعات و درک و فهمی است که پیداکرده‌ام. شما (دانشجویان) آن‌ها را با رویکردی نقادانه بررسی کنید و نظر خود را داشته باشید»؛ و به این سان میدان کنشگری نقادانه را برای دانشجویان وسعت می‌داد.

استاد –مسافر ما همواره در جستجوی شناخت دیگری بود تا شاید از طریق آن خود را بشناسد. او مدام در حال جابه‌جایی در چهارگوشه‌ی جهان و در پی یادگیری مستمر از دیگران و از خود بود: او در محلی توقف می‌کرد تا خود را با آنجا سازگار کند و

---

[۱] لفت نامه دهخدا؛ ج.۱؛ ص:۵۷۸

[2] Maherzi.A., Education et culture dans l. oeuvre de Le Thanh Khoi.in *International Review if Education*. N50,2004, pp:95-117.

[3] Toulouse

[4] Maherzi, A., *op. cit*, p.117.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

خود را «بپذیراند» تا شاید زمانی دیگر به نحو تکامل‌یافته‌تری به آنجا بازگردد. یک روز در پاسخ به این پرسش نگارنده که چرا بعد از سی سال از اولین سفر به مالزی و یمن دوباره به این کشورها سفر کردی؟ می‌گفت برای فهم تغییرات در آن کشورها در گذر زمان. او در سفرهایش با خطر روبه‌رو می‌شد و از این طریق «آفریننده تاریخ» می‌گشت؛ مسافری که در جستجوی حوزه‌های ناشناخته بود، نه در مسیری از قبل ساخته‌شده و تکراری در این مسیر خود او نیز تعالی می‌یافت:

مسافر! مسیر رد پایی بیش نیست،

مسافر! مسیری وجود ندارد، مسیر با گام برداشتن ساخته می‌شود،

با گام برداشتن مسیر شکل می‌گیرد...[1].

بی‌تحرکی تناسبی با او نداشت زیرا بی‌تحرکی را منشأ دل‌تنگی و بی‌ثمری می‌دانست. ازنظر او حرکت سبب می‌شود تا باد درختان میوه را بارور سازد و تغییر و پیشرفت را به ارمغان می‌آورد[2]. او هستی را در **حرکت** باور داشت که در سفر گوهر آدمی به ظهور می‌رسد و «سفر را از آن رو سفر نامیده‌اند که برقع از چهره سیرت آدمی می‌گشاید»؛ و به بیان مولوی[3]:

گفت حق: اندر سفر هر جا روی　　باید اول طالب مردی شوی

قصد گنجی کن که این سود و زیان　　در تبع آید، تو آن را فرع دان

وقتی در یکی از گفتگوهایی که با هم داشتیم از او پرسیدم سفر چه معنایی برایش دارد، پاسخ داد که آن را «سیری سازمان‌یافته در کشورهای مختلف» می‌داند. او در آستانه ۹۰ سالگی خود و در دیدار و مباحثه‌ای که با او داشتم می‌گفت که هر چهار ماه یک‌بار سفر می‌کند: اخیراً (فوریه ۲۰۱۰)، سیری در آمریکای مرکزی (کاستاریکا، پاناما و جنوب گواتمالا) داشته‌ام و در ماه ژوئن همان سال مسافر پرتغال خواهم بود. وقتی از استاد پرسیدم که سفر برای او چه ارمغانی دارد، پاسخ داد: *«کنجکاوی من راجع به فرهنگ‌های مختلف محرک سفرهایم است. هر بار با شناخت بهتر فرهنگ‌های مختلف جهان خود را از نظر فرهنگی غنا*

[1] Machado, Antonio, *Obras, Poesia y prosa*, ed. Lasada. Buenos Aires, 1964, s. 29.
[2]. Maherzi, A., *op. cit*, p.113.
[3] به نقل از زمانی، کریم، میناگر عشق، نشر نی،۱۳۸۴، ص ۸۳۴ و ۸۳۶.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

می‌بخشم. تماس با فرهنگ‌های مختلف به بالندگی انسان می‌افزاید؛ به‌ویژه کشورهایی مانند هند، چین و ایران که از تنوع و تفاوت‌های فرهنگی زیادی برخوردارند. تجارب من این آموخته را برایم داشته است که باید با آغوش باز به استقبال فرهنگ‌های مختلف رفت تا بتوان از نظر شناختی و معنوی تعالی یافت. ازاین‌رو، احترام به دیگران با تفاوت‌هایی که دارند، اساسی است. شناخت فرهنگ‌های متنوع و گشاده‌رویی در برابر فرهنگ‌های گوناگون همواره بالندگی به همراه دارد»[۱].

در سال ۱۳۸۰ در سفری به ایران (که چندمین سفر او نیز بود)، با هم به دیدار موزه رضا عباسی رفتیم. مسیر پیاده را طوری سریع گام برمی‌داشت که انگار در جستجوی گم‌شده‌ای بود! وقتی وارد موزه شدیم، جویای بخش آثار خوشنویسان شد و سپس به‌سرعت از پله‌ها بالا رفت و گشتی سریع در آن بخش زد و ناگهان مقابل اثری ایستاد و مدتی طولانی در آن اثر تأمل کرد. وقتی پرسیدم چه چیزی شما را در برابر این اثر متوقف کرد، پاسخ داد: «حرکت و آهنگ موجود در آن». سپس بدون این‌که توقفی در طبقات و بخش‌های دیگر موزه داشته باشد از آن بیرون آمدیم. چند سال بعد، زمانی که تحلیل و نقد او را بر آثار هنری از منظر زیباشناختی در فرهنگ‌های مختلف که به‌صورت کتابی مصور منتشر کرده بود[۲]، دیدم، پرسیدم: «این عکس‌ها را چگونه به دست آوردید؟»، پاسخ داد: «عکس‌ها را خودم گرفتم. پس از بازنشستگی به کلاس آموزش عکاسی رفتم تا بتوانم برای این کتاب، در طول سفرهایم عکاسی کنم».

لوتان کوی در آثار خود که به‌تناسب پرسش‌ها و اشتیاق یادگیری‌اش، متنوع‌اند، همراه با خود، خوانندگانش را به پرسشگری و تلاش برای فهم و توضیح فرهنگ خود و فرهنگ‌های دیگر فرامی‌خواند تا با فهم غنای موجود در آن‌ها در بستر زمینه‌های شکل‌گیری‌شان، برای بالندگی خود بکوشند و به‌دور از جزءنگری و ساده‌اندیشی، با رویکردی نقادانه در ارزش‌ها، توانمندی‌ها و پیچیدگی‌های میراث ارزشمند تاریخ ملت‌ها و جوامع تعمق کنند تا شکوفا کننده خود و آفریننده فرهنگ باشند؛ کاری سترگ که شوق می‌خواهد و تلاش؛ چه «آدمی زاینده است و عشق آینده و جوینده را صدق باید و رونده را عشق»[۳].

---

[۱] مصاحبه مترجم با نویسنده، پاریس، آوریل ۲۰۱۰.

[۲] این کتاب با عنوان تمنای زیبایی با ترجمه نگارنده از سوی مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۴۰۴ منتشر شده است.

[۳] خواجه عبدالله انصاری، «در مقالات عقل و عشق»، سه روایت از حکایت عشق، به اهتمام فرزانه نیکوکاری، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۲، ص ۲۴ و ۲۵.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

لوتان کوی با تلاشی نوآورانه به نقد افکار "ایسم گرا"و قوم‌گرا و نیز نژاد گرایانه در خصوص درک سازوکارهای نظام‌های آموزشی می‌پردازد. دیدگاه اساسی او چنین است: «*آیا ارائه یک نظریه عمومی آموزش‌وپرورش که بتواند معانی و نقش‌های آن را در تولید و بازتولید اجتماعی نشان دهد ممکن است؟ چنین نظریه‌ای، درهرصورت، نیازمند بررسی تاریخی، اجتماعی و تطبیقی انواع مختلف تمدن‌ها، حساسیت نشان دادن به جنبه‌های عام و خاص و درک کلیت و پیچیدگی نه‌تنها جوامع بلکه آموزش‌وپرورش تحت اشکال مختلف آن (مدرسه‌ای و غیر مدرسه‌ای) و تضادهای اجتماعی آن‌ها است*». او در کتاب *آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع* نشان می‌دهد که تبادل فرهنگ‌ها، اساس پویایی و غنای فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است. این امکان وجود دارد که عنصری از فرهنگ خاص در فرهنگ دیگر زمینه رشد و تعالی پیدا کند[۱]. او ضمن تحلیل رابطه بین خط و فرهنگ زیباشناختی، می‌نویسد: «اولین دیدار من از یک سرزمین اسلامی در فوریه ۱۹٦٤ در تونس اتفاق افتاد. من با علاقه‌مندی بازارهای تونس و مسجد بزرگ قیروان را مشاهده کردم... . چند ماه بعد در مراکش، هنگام ورود به شهر فاس، واقعاً شگفت‌زده شدم.(...) اصفهان در پاییز ۱۹٦۸ برایم حیرت‌آور بود. اصفهان در نظرم همان چیزی آمد که ایرانی‌ها از زمان شاه‌عباس (۱۵۸۷-۱٦۲۹) به آن اطلاق می‌کنند: «اصفهان نصف جهان». از بالای عالی‌قاپو، نزدیک گنبدها و مناره‌های آبی و فیروزه‌ای‌رنگ که خاص ایران است، دره‌ای را یافتم که رشته‌کوه‌های زاگرس آن را احاطه کرده بودند. در اصفهان بود که زیبایی خط عربی را درک کردم؛ زیبایی‌ای که قبلاً در مغرب و قبل از آن در غرناطه و قرطبه متوجه آن نشده بودم. مشاهده این خط اعجاب‌انگیز بود (...) در اینجا، مانند چین و ژاپن، لذت خط به دسته‌ای نخبه اختصاص ندارد، چون قبل از هر چیز خط به بازآفرینی کلام خداوند که با قرآن منتقل‌شده است اختصاص دارد»[۲]

هدف کلی پژوهش‌ها و مطالعات استاد-مسافر ما کمک به فهم بهتر بین‌المللی است، "زیرا با مطالعه فرهنگ‌های دیگر است که شناخت فرهنگ خود عمق پیدا می‌کند و فرد از صفت ویژه آن‌که «جهان‌شمول» فرض می‌شود، آگاهی می‌یابد. آن زمان که تصور می‌شد بتوان دستاوردهای پویایی گروهی از جوامع را که در یک برهه از تاریخ نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند، به کل جهان عمومیت داد سپری شده است. تقریباً در همه‌جا به تقلیدهای مخرب از هر نوع ابتکار درون‌زا، یک‌شکل سازی انواع زندگی

[۱] برای مثال‌هایی در مورد " تماس‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌ها " رک: لویی استروس: نژاد و تاریخ (ترجمه ابوالحسن نجفی)، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران،۱۳۵۸.

[۲] آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع؛ ص:۲۱۷.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

و تهدیدهایی که ضد هویت و غنای فرهنگ‌ها می‌شود اعتراض‌هایی صورت می‌گیرد. آموزش‌وپرورش یک قلمرو مطالعاتی ممتاز است، زیرا از عصر باستان بر این هدف فلسفی پایه‌ریزی شده است که انسان در ارتباط با گذشته، حال و آینده خود، در متن دنیا قرار گیرد (...) آنچه ظهور می‌یابد آگاهی از پیچیدگی جهان است؛ جهانی که در آن نظام‌های بوم‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌صورت تفکیک‌ناپذیر در هم می‌آمیزند. **علمی که از پیچیدگی**[۱] متولد می‌شود درصدد بهبود برداشت انسان از نظم و پریشانی، حتمیت و اتفاق است تا کره زمین قابلیت بیشتری برای زندگی همه ساکنان آن داشته باشد. بدین منظور، لازم است از تفکر تمام فرهنگ‌ها کمک گرفته شود[۲]."

برای لو تان کوی، شناخت فرهنگ‌های دیگر به فهم دیگری و نیز خود کمک می‌کند و در این میان ادبیات آن‌ها روشنایی‌بخش است: او در کتاب *مرغ مینا در مزرعه برنج- ترانه‌ها و اشعار ماندگار در ویتنام* می‌پرسد:" چگونه می‌توان یک کشور، کوه‌هایش، رودخانه‌هایش، مردمانش را حس کرد و فهمید بدون این‌که شناختی از فرهنگ آن داشت؟ یکی از راه‌های رسیدن به چنین حس و فهمی، ادبیات و به‌ویژه شعر است. از طریق ترانه‌های فولکلور و مردمی است که کارها و جشن‌های کشاورزان، عشق‌ها، باورها، خاطره قهرمانان و اعتراضات اجتماعی بیان می‌شوند (...) شعر شاعران از یک‌سو عشق به طبیعت و شادی پس از پایان کار را می‌سراید و از سوی دیگر ناراحتی‌های حاصل از تغییرات سیاسی و وضعیت و شرایط انسان در موج ناپایداری جهان‌شمول را بیان می‌کند. مابین این دو فرهنگ مرز نفوذناپذیر وجود ندارد: در این مرز می‌توان تأثیرات متقابل، اجتماع برخی ارزش‌ها و استفاده مشابه و متناوب لحن‌ها و قافیه‌ها و آوای موسیقیایی زبان که تمام تفاوت‌های ظریف هیجانات را به وجود می‌آورد، پیدا نمود. بزرگ‌ترین شاعران آن‌هایی هستند که دانسته‌اند در ابیات خود رویای مردمی و آزادی درونی انسان فرهیخته را در هم بیامیزند".[۳] می‌توانیم بگوییم که برای لوتان کوی نیز، همچنان که استاد ناتل خانلری راجع به ماریا ریلکه می‌نویسد، شعر میوه‌ی زندگی است و نغمه ایست که از کنه هستی شاعر برمی‌آید"(ناتل خانلری، همان ص:۱۳).

---

[۱] تأکید از نگارنده است.

[۲] همان منبع؛ ص:۲۷

[3] Aigrettes sur la rizière: Chants et poèmes classiques du Viêt-nam Collectifs, Lê Thành Khôi (Translator).Connaissance de l,orient.Ed.Galimard.Paris.1995

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

او در یکی از کتاب‌هایش از کنفوسیوس سخن به میان می‌آورد که حدود دو هزار و پانصد سال قبل در کتاب *آموزش بزرگ* که یکی از چهار کتاب مهم فرهنگ چین می‌باشد[۱] و به شاگردش *زنگ زی*[۲] نسبت داده می‌شود، در متن کوتاهی با تأکید بر این‌که از طریق تعلیم و تربیت است که «انسان متعالی» به وجود می‌آید. اضافه می‌کند که کنفوسیوس این مسیر را این‌گونه توصیف می‌کند:

«تعمق در چیزها، برای توسعه شناخت؛

توسعه شناخت، برای تحکیم خلوص اراده؛

تحکیم خلوص اراده، برای تضمین صداقت دل؛

تضمین صداقت دل، برای تعالی؛

اگر این تعالی به‌خوبی انجام یافت، می‌توان خانواده را رهبری کرد؛ اگر خانواده به‌خوبی رهبری شد، می‌توان کشور را اداره نمود؛ اگر کشور به‌خوبی رهبری شد، می‌توان صلح را در دنیا برقرار کرد[۳]».

البته انسان متعالی در فرهنگ متعالی به وجود می‌آید و این فرهنگ که نو زا و البته به‌غایت پیچیده است در تضاد با حصار قالب‌ها و کلیشه‌ها می‌باشد. استاد محمدعلی اسلامی ندوشن وقتی راجع به فرهنگ متعالی ایران‌زمین سخن می‌گوید آن را " پیوسته نو شونده و همواره پایبند به اصل"می‌داند و این نوزایی در تعریف لوتان کوی نیز وجود دارد که: " فرهنگ به تمام آفرینش‌های مادی و غیرمادی یک گروه انسانی در روابطشان با طبیعت و دیگر گروه‌ها گفته می‌شود که برای آن گروه –یا اکثریت اعضای آن– معنایی خاص دارد، معنایی که برآمده از تاریخ گذشته یا تاریخ در حال وقوع بوده و دیگر گروه‌ها از آن معنا برخوردار نیستند[٤]." با این توصیف دیگر نمی‌توان برای فرهنگ و تعلیم و تربیتی که آن را منتقل می‌کند فرمولی بیان کرد یا

---

[۱] سه دیگر عبارت‌اند از: مرام میانه؛ مکالمات و منسیوس

[2] .Zengzi

[۳] آموزش‌وپرورش: فرهنگ‌ها و جوامع، چاپ دوم؛ ص:۳۷۵

[4]. Le Thanh Khoi:Culture,Crativite et DeveloppementYParisYHarmattanY1992YP:49.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]

نسخه‌ای پیچید. اسکار اشپیل مربی اتریشی و شاگرد آلفرد آدلر[1] با بررسی کاربردی آرای پداگوژیک این پزشک، روان‌درمانگر و بنیان‌گذار روانشناسی فردی، در سال ۱۹۵٤ می‌نوشت "هنوز فرمول تعلیم و تربیت پیدا نشده است[2]". می‌توانیم اضافه کنیم که چنین فرمولی پیدا نخواهد شد مگر این‌که آن را در فرمالیسم ساده ساز و ساده‌انگاری‌هایی که مانع زایندگی فرهنگ با تنوعی که در کلیت خود[3] در بردارد[4]، به دام انداخت؛ که در این صورت نه مجالی برای تربیت انسان متعالی خواهد بود و نه فرهنگی که بتواند او را در بستر خود بپروراند.

محمد یمنی دوزی سرخابی

سردبیر مجله آموزش عالی ایران

نوروز ۱٤۰٤ خورشیدی

[1] Alfred Adler

[2]. Spiel Oscar: La doctrine d'Alfred Adler dans ses applications à l'éducation scolaire - Avec 8 dessins - bibliothèque scientifique.Paris,Payot.1954.

[3] ۱. مارسل موس می گفت: باید کل را دوباره ترکیب کرد".کاری که برای شناختن پیچیدگی کلیت یک سیستم ضروری است.ر.ک: ادگار مورن:هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده؛ ترجمه محمد یمنی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛۱۳۸۳. ص:۲۲.

[4] در زبان فارسی دو واژه ی **آموزش و پرورش** با مفهوم مترادف آن در ریشه ی لاتین و نیز زبان فارسی در تعارض است زیرا در " آموزش **و** پرورش" دو گانگی وجود دارد که مغایر با کلیت اندیشه و عمل تربیت است. در لغت نامه دهخدا آمده است که مفهوم **فرهنگ** از فر، پیشوند + هنگ از ریشه ثنگ اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن که هر دو مطابق است با ا Education با ریشه ی ادوکات و ادوره در زبان لاتین که به معنی کشیدن و نیز به معنی فرهیختن است؛ بنابراین مترادف صحیح ان در زبان فارسی همان **فرهنگ** خواهد بود که در این جا متفاوت از معنای مردم شناسی است که استفاده می شود. برای این دوگانگی و آسیب هایی که از نظر ساختاری و کارکردی به سیستم آموزش و پرورش وارد می کند ر.ک: به مقاله ارزشمند جناب آقای دکتر قدم علی سرامی: *مائیم و دوچشم و یک تماشا است*: مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش ابتدایی؛ انتشارات تربیت؛۱۳۷۱؛ ص:۳۹۷-۴۱۷.

اضافه کنیم که دو گانگی موجود در مفهوم آموزش **و** پرورش سبب چند پارگی در ابعاد ساختاری و کارکردی سیستم آموزشی می شود. به عنوان مثال وجود دو بخش"پرورشی و آموزشی" به عنوان معاونت های جدا، در عمل، به جدایی فعالیت های آموزشی و پرورشی در مدارس منجر شده و این برداشت نا درست را ایجاد کرده است که به عنوان مثال معلم ریاضی، ادبیات، تاریخ و... نقش پرورشی در معنای دقیق کلمه را ندارند و مربی "پرورشی "تنها عامل پرورش دانش آموزان می باشد؟!

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.3.1.0]